

## تدوین مدل مفهومی بازآفرینی نوآورانه شهری در تعامل با شهر هوشمند: با استفاده از روش فراترکیب (۲۰۱۰-۲۰۲۰)

ساناز نقشی زادیان

دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده عمران، هنر و معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مجتبی رفیعیان<sup>۱</sup>

استاد گروه شهرسازی، دانشکده عمران، هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

زهرا سادات سعیده زراآبادی

دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده عمران، هنر و معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

حمید ماجدی

استاد گروه شهرسازی، دانشکده عمران، هنر و معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

### چکیده

بازآفرینی شهری از ابتدای ظهور سعی داشته خود را با برنامه‌ریزی و استراتژی‌های توسعه تطبیق دهد. بر این اساس همیشه تحت تاثیر تئوری‌ها و سیاستهای شهرسازی بوده. لذا، تاثیر پذیری آن از نظریه‌ها و برنامه‌های نوظهور همگام با پیشرفت دانش، فرآیندهای هوشمند سازی و نوآوری نشان دهنده تغییراتی در مفاهیم اولیه خود است. بنابراین، بازآفرینی نوآورانه شهری استدلالی بر تعامل فرایندهای تصمیم‌گیری، مدیریت، سیاستهای نوآوری و رشد هوشمند شهری همگام با تحولات جهانی می‌باشد. از آنجاییکه، بازآفرینی شهری بیشترین تمرکز خود را بر ساماندهی بافتهای فرسوده و رها شده شهری قرار داده، چنين سیاستی توانایی پاسخگویی به نیازهای جامعه مطابق با استانداردهای نوآورانه و رشد هوشمند را ندارد. از این حیث، این مطالعه با استناد به سیاست‌های بازآفرینی شهری و با تمرکز بر مؤلفه‌ها و شاخص‌های تأثیرگذار بر ارتباط مفاهیم، چارچوب یکپارچه‌ای را برای بازآفرینی نوآورانه مبتنی بر تعامل با شهر هوشمند استخراج کرده است. لذا، ۱۸۱ منبع علمی از طریق روش مرور سیستماتیک مورد مطالعه قرار گرفت که ۳۵ مورد آن با استفاده از روش متاستز تجزیه و تحلیل گردید. یافته‌های تحقیق نشان داد که بازآفرینی شهری نوآورانه با کمک ۴ مؤلفه استخراج شده: همکنش اجتماعی-فرهنگی؛ مدیریت منابع مالی؛ دانش و آموزش محوری؛ مدیریت جامعه هوشمند چارچوب یکپارچه‌ای را مفهوم سازی کرده و نشان می‌دهد، یک راهبرد برتر از دانش برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های پیشین شهری بوده، که از طریق اولویت‌های اقدام دستیابی به اهداف این راهبرد اجرایی شده، و با تمرکز قدرت اجرایی بر روند تصمیم‌گیری‌های سیاسی و مدیریتی و بر اساس مفاهیم نوآوری، تدوین برنامه‌ها و طرح‌های اجرایی هوشمند می‌تواند در راستای توسعه و بهبود جامعه نوآور، توسعه دیجیتال و دانش، همگرایی نوآوری‌های هوشمند و فرصتهای برنامه‌ریزی خلاق تحقق یابد.

کلیدواژگان: اکوسیستم نوآوری شهری، اکوسیستم کارآفرینی شهری، بازآفرینی نوآورانه، بازآفرینی شهری هوشمند.

## مقدمه

شهرها تحت فشار رشد جمعیت، ساختار اقتصادی و اغتشاشات اقلیمی قرار دارند (Huston et al., 2015). در قلب بسیاری از ابتکارات اکولوژی اجتماعی این شناخت وجود دارد که راه حل چالش‌های پیچیده، رویکردهای فرا رشته‌ای ادغام شده با سیاست است (Pires et al., 2018). بنابراین، مقابله با چالش‌ها نیازمند استراتژی است که فرایند جامعی برای تغییرات شهر فراهم کند تا با تمرکز بر نوآوری، یکپارچه‌سازی زیرساختها و استراتژی‌های پایدار مکانی به تقویت شبکه شهرها و مناطق داخلی پردازند. بنابراین، بازآفرینی فرایندی در توسعه مراکز نوآور، نقش تعیین‌کننده‌ای در روند تمرکز بر رشد هوشمند جوامع را به عنوان یک کل دارد (Aboelnaga et al., 2019). (Fuentes & Torre, 2017) همچنین، یکی از جامع‌ترین سیاست‌های مطرحی است که در مواجهه با چالش‌ها و ناکارآمدی شهرها عمل می‌کند. اخیراً، اکوسیستم نوآوری "با اصطلاحی مبهم و پیچیده ظاهر شده، که نتیجه استراتژی‌های نوآوری، خدمات اکوسیستم و اکوسیستم‌های باز می‌باشد (Spena et al., 2016). از طرفی، فناوری اطلاعات و ارتباطات برای فعالیتهای روزمره ضروری هستند. و بطور بالقوه مناسب برای دستیابی به مزایای اقتصادی، اجتماعی و کلیدی برای بهبود کیفیت زندگی شهروندان، روابط متقابل شهروندی و فناوری تلقی میشوند (García-Fuentes et al., 2017) در این راستا، فضاهای نوآوری، مکان‌هایی را برای مردم فراهم میکند تا در فعالیتهای خلاقانه همکاری کنند بنابراین، مناطق نوآوری با استراتژی‌های توسعه مکان-محور و دانش در شهرهای مختلف ظاهر شدند. با افزایش علاقه به این فضاها، چالش‌هایی از جمله فرهنگی، اجتماعی، امنیت، فناوری موبایل و رسانه‌ها مورد توجه قرار گرفته است (Morisson & Bevilacqua, 2019). این مطالعه، مدل مفهومی بازآفرینی نوآورانه‌ی هوشمند شهری را معرفی میکند که فرایند هوشمندسازی شهر به عنوان فاکتور اصلی طرحهای بازآفرینی با رویکرد نوآورانه در برنامه‌ها و سیاستهای شهری عمل کرده لذا بر تجزیه و تحلیل مؤلفه‌ها و شاخص‌های دو رویکرد تمرکز شده است. مروری بر نمونه تجربیات جهانی و بررسی نتایج آنها میتواند نقای در ارتباط مفهومی دو رویکرد را بر مبنای ابعاد و برنامه‌های بازآفرینی و اکوسیستم نوآوری مطالعات تحقیقاتی روشن نماید: کاسادوال (۲۰۱۸) بیان میکنند کارآفرینان نوپا که از مراکز و فضاهای نوآوری استفاده می‌کنند غالباً درون فضایی هستند، که افراد همفکر تمایل دارند ایده‌ها و رویکردهای مشابهی ارائه دهند. برای فرار از این مکانها، (Skunkworks) طراحی شده، ابزاری که از تجزیه و تحلیل شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کند تا کاربران فضاهای دیگر اکوسیستم نوآوری شهر خود را کشف کنند. اسپینا (۲۰۱۴) مکانیسم دانش و یادگیری را در یک زمینه چندگانه و بهم پیوسته بررسی کردند. این مقاله یادگیری مبتنی بر عمل را با اجزای مختلف دانش بهم پیوند میدهند. نتیجه یکپارچگی زمینه دانش نوآوری، ایجاد شبکه مکانیسم‌های یادگیری، ایجاد یک اکوسیستم نوآوری میباشد. ارنولد موریسون (۲۰۱۹) استدلال می‌کند، نوآوریها به عنوان استراتژی‌های بازآفرینی در شهرها اجرا می‌شوند. هدف این مقاله ارائه چارچوبی برای تعریف مناطق نوآوری است. در این مطالعه مناطق نوآوری با چهار بعد استراتژیک، تولیدی، همکاری و خلاقیت، تحت یک رهبری قوی هماهنگ، طراحی شده اند. جیانولی (۲۰۲۰) ایجاد مناطق نوآوری را هدف قرار دادند، تا بتوانند با تمرکز بر اقتصاد دانش و فناوری‌های جدید، اشتغال ایجاد کنند. ویژگی ابتکاری این پروژه، عدم اطمینان و لزوم سازگاری با فناوری‌های جدید است. اندریا انجیتی (۲۰۱۸) یک مدل نوآوری اجتماعی معرفی

میکند، که از طریق بازآفرینی شهری محلی اجرا می شود. یافته های تحقیق نشان داد هدف اصلی نوآوری اجتماعی در بازآفرینی سود نیست، بلکه تحلیل فعالیت ها و خدمات نوآورانه با انگیزه پاسخگویی به نیازهای اجتماعی است.

### ادبیات بازآفرینی نوآورانه

شهرها، اجتماعات دانش و نوآوری، پویا شده و با مزیت تنوع، زمینه مکانی برای دستیابی به نوآوری را فراهم میکنند. بنابراین، نیازمند سیاست های جدید شهری است (Casadevall et al., 2018; Cunha & Selada, 2009). اصول باز آفرینی شهری پاسخی به چالش های توسعه پایدار با ابعاد محیط زیست، اجتماعی، اقتصادی، نهادی و عملی جامع به دنبال حل مشکلات و بهبود پایداری میباشد (Aboelnaga et al., 2019; Allam & Newman, 2018). اهمیت حاکمیت انطباقی امکان تکامل فرایندهای بازآفرینی را فراهم و چارچوب هنجاری تصمیم گیرندگان را در مدیریت پروژه های شهری پشتیبانی میکند. لذا، به رویکردی انعطاف پذیر تبدیل شده و در زمینه های مختلفی با تنظیمات نهادی هماهنگی دارد. این رویکرد ترکیبی، با پشتیبانی ساختاری به دنبال افزایش استقلال سیاسی است. بنابراین سازگاری موثری، در مناطق نوآوری بوجود میآورد که از توسعه در همه ابعاد بهره میبرد. ساختار سلسله مراتبی شهر با سه سطح: منطقه که نزدیک به روند بازآفرینی میباشد؛ متروپولیتن سطحی که تمام مناطق را در بر می گیرد؛ و شبکه شهر که شبکه جهانی اقتصاد را به هم اتصال میدهد، مشخص میشود. بنابراین، مناطق شهری را متصل و به رقابت با یکدیگر ترغیب می کند، پنج مقیاس: فیزیکی با جنبه های کالبدی، زیرساخت ها و میراث فرهنگی؛ اقتصادی: فعالیت اقتصادی و جذب سرمایه گذاران Tمشاغل؛ اجتماعی: تأثیر تحول در جامعه محلی؛ (Gianoli & Palazzolo Henkes, 2020) زیست محیطی: حفظ و نگهداری (Aboelnaga et al., 2019) و نهایتاً فرهنگی: محرکه اصلی توسعه، در مداخلات اعمال میشود. نوآوری به زمینه های مختلف دانش متکی است. لذا، مکانیسم های فرهنگی دانش، یادگیری، همبستگی فرهنگ و نوآوری، تعامل اقتصادی - فرهنگی و سرمایه های اجتماعی پایه های اصلی پایداری اکوسیستم نوآوری میباشند. نوآوری اداری و سیاسی با "پیوند رهبری" حمایت میشوند. که حوزه سیاسی و نوآوری را با پیوند افراد، ایده ها و منابع به هم متصل میکند (ANECHITEI, 2018). رویکردی پیچیده، نامنظم، پر خطر و در معرض تغییرات است. لذا، ارزیابی آن مستلزم هماهنگی دقیق دانش و قضاوت بازار میباشد تا محدودیتها کم و توسعه پویای اقتصاد نوآورانه شکل گیرد (Hashim, 2010; Kudryavtseva et al., 2015). Rosenberg, 2009) شهرها نوآوری مشارکتی را در زیرساخت های خود ارتقا میدهند تا زمینه را برای برنامه های ابتکاری فراهم کنند. لذا، نواحی شهری هنگام تقاضای فضا های نوآور، گستره ای (Schaffers et al., 2012) از آن را تشکیل میدهند که مشارکت، کارآفرینی هوشمند و جامعه ای خلاق و نوآور را برای اهداف اقتصادی پوشش دهند (Casadevall et al., 2018; Hashim, 2010). بنابراین، تبدیل شهر به قطب نوآوری هوشمند با الگوی نوآوری، کیفیت آموزش، بودجه تحقیقاتی همچنین زیرساخت فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) میباشد (Hashim, 2010). فن آوری های دیجیتال مؤلفه تولید اکوسیستم نوآوری بوده، از بازارهای جهانی منتفع، و محرک توسعه اجتماعی و اقتصادی است. همچنین، شبکه های اجتماعی ابزاری برای گسترش دانش، یافتن اطلاعات و کشف فضاهای نوآور میباشند. "سیستم های شهری نوآور" به عنوان مفهومی نوظهور شکل گرفته، ساختار و توسعه یافته که هدف آن تدوین استراتژی های برنامه ریزی "شهرهای هوشمند" مبتنی بر ارزیابی نیازهای آینده و کاربردهای

نوآورانه هستند، این استراتژی‌ها درک جدیدی از نوآوری بر مبنای تغییراتی در مفاهیم اکوسیستم نوآوری باز، زنجیره‌های نوآوری جهانی و توانمندسازی شهروندان می‌دهد، و جهت شکل‌گیری فضاهای نوآوری و رشد هوشمند تمرکز یافته (Markatou & Alexandrou, 2015; Schaffers et al., 2012; Sussan & Acs, 2017). در سیاست‌های شهری گذشته، برخی نوآوری‌های سیاسی بر اساس پیشرفت فن آوری بوده برخی، اجتماعی-محیط زیست‌گرا با هدف بهبود کیفیت زندگی (ANECHITEI, 2018; roberts, p; sykes, 2000) برخی فرصت‌های اقتصادی از اتخاذ بحث‌های عدالت اجتماعی حاصل شده در حالی که تغییرات توانمندی فنی، فرصت‌های اقتصادی و آگاهی اجتماعی عوامل مهمی در سرعت و مقیاس پیشرفت شهری بوده‌اند (roberts, p; sykes, 2000). بنابراین، تبدیل جامعه از طرح به واقعیت و حفظ رفاه مستلزم انگیزه نوآوری است، و رونق اقتصادی و پیشرفت اجتماعی با نوآوری سیستماتیک، نظری و هوشمند تحقق می‌یابد (Hsiao & Hsiao, 2014). باز آفرینی شهری و اکوسیستم نوآوری اهداف مشترکی را دنبال می‌کنند، اما در اتصال مفاهیم و اشتراکات اجرایی دچار چالش‌هایی می‌باشند بنابراین، مدل پیشنهادی فرایند ارتقاء شهری را پوشش می‌دهد که، به اقدامات خاص و فعال‌کننده شهر هوشمند و نوآور مرتبط است. مناطق نوآوری سیاست‌های شهری مکان-محور هستند، توسعه آنها بهره‌گیری از ماهیت انقلابی فناوری‌های اطلاعات و بعد مکان نوآوری در اقتصاد دانش می‌باشد. لذا با عنایت به رشد اجتماعی و اقتصادی، کارآمدی اکوسیستم‌های نوآوری اهمیت پیدا کرده، و به توسعه فرصت‌ها مبدل گردیده (ANECHITEI, 2018).

#### روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش، با استفاده از روش متا سنتز به مقایسه، تفسیر، تبدیل و ترکیب چارچوب‌ها و مدل‌های مختلف ارائه شده در یافته‌های کیفی حاصل از تحقیقات قبلی می‌پردازد. و به دنبال ارائه مفهوم و درک جدیدی از بازآفرینی شهری نوآورانه مبتنی بر تعامل با شهر هوشمند و ارائه عناصر و چارچوب مفهومی آن می‌باشد. متا سنتز به یک فرآیند و محصول تحقیق علمی اشاره دارد که هدف آن ایجاد تفسیری یکپارچه و جدید و همچنین بررسی سیستماتیک و ادغام یافته‌ها با موضوع مرتبط و مشابه در گزارش‌های مطالعات کیفی می‌باشد. در واقع یک ادغام تفسیری از یافته‌های کیفی است، که بینش ارزشمندی را در زمینه تحقیقات کیفی ارائه می‌دهد. پروژه‌های سنتز تحقیق کیفی، خانواده‌ای از رویکردهای روش‌شناختی را در بر می‌گیرند که اکتشافی-توصیفی می‌باشد نتایج مطالعات فرا سنتز منتهی به ایجاد شفاف‌سازی مفاهیم، الگوها و نتایج در پالایش حالت‌های موجود دانش و ظهور مدل‌های عملیاتی و نظریه‌های جدید، میشود (Campbell et al., 2003; Chrastina, 2018; sandelowski, M., Barroso, J, 2007; Walsh & Downe, 2005; Zimmer, 2006). این مطالعه شامل ۶ مرحله است. در گام نخست تنظیم سوالات پژوهش با توجه به هدف و منطق از پیش تعیین شده انجام گردید. مرحله دوم تطبیق مطالعات کیفیت‌سنجی تحقیق در منابع موجود می‌باشد. این مرحله به طور نظام‌مند، به جستجوی مقالات منتشر شده در مجله‌های مختلف با کمک پایگاه‌های اطلاعاتی داده‌ها و موتورهای جستجو با محوریت گوگل پرداخته، که شامل: پایگاه مرکز اطلاعاتی علمی جهاد دانشگاهی Sid.ir، پایگاه مجلات تخصصی نور Noormags.ir، پرتال جامع علوم انسانی Ensani.ir، www.Sivilica.com، Elsevier.com، Magiran.com، Scindirect.com، Springer.com، Scopus.com می‌باشد. در ادامه برخی از مهم‌ترین مفاهیم و واژگان کلیدی استفاده شده در فرایند، در ابتدا بصورت کلی و سپس جزئی‌تر مورد جست و جو قرار گرفتند که دقت در آن از اهمیت بالایی برخوردار بوده است. برخی از این واژگان،



در این بخش، استدلال یافته‌های پژوهش "بازآفرینی شهری نوآورانه مبتنی بر تعامل با شهر هوشمند" بر اساس ۴ مولفه اصلی: همکنش اجتماعی-فرهنگی، دانش و آموزش محوری، مدیریت منابع مالی و مدیریت جامعه هوشمند قابل توصیف می‌باشد. استخراج مولفه‌ها بر اساس ملاحظات و قوانین حاکم بر اصول برنامه‌ها و طرح‌های شهری می‌باشند.

### الف. همکنش اجتماعی-فرهنگی

این مولفه از زوایای مختلف و غیر مستقیم بر باز آفرینی نوآورانه تاثیرگذار است. عمده حساسیت آن روابط اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. " مشارکت مردمی در تحقق حقوق شهروندی" استفاده از ظرفیتهای تعاملی با همکاری میان کنشگران (Dobson & Jorgensen, 2015) در ساختارهای جدید، مدیریت اراضی، کاربری‌های ناسازگار زمین و تأثیرات آن بر محدوده‌های اجتماعی و زیست محیطی (Aboelnaga et al., 2019) کاهش فقر همراه با افزایش انسجام اجتماعی، بهبود محیط زندگی و رشد اقتصادی محله در مشارکت مؤثر می‌باشد (Fortunato & Alter, 2015). " (Taylor & Hochuli, 2015; 2015) بالابردن امکانات فرهنگی محله" کارآفرینی نو آورانه نقش عمیقی در فرهنگ محلی و انسجام جوامع محلی (Roundy, 2017) دارد. بهبود همگرایی اجتماعی، حفظ سنت جوامع بافت قدیم (Kaltenborn et al., 2017)، محرکهای مؤثر در ایجاد مراکز چند فرهنگی و ابزاری برای ترویج ارزش‌ها و هویت محلی (ANECHITEI, 2018) می‌باشند. خدمات فرهنگی برخلاف خدمات حمایتی، مستقیم توسط مردم تجربه می‌شود و باید ابزارهای تشویقی خدمات فرهنگی حمایت گردد (Plieninger et al., 2013). مشارکت مردم در حفاظت از محیط زیست " هویت یک محله به پیوند و اتحاد افراد بستگی دارد و عملکرد مشارکتی خدمات اکوسیستم را برآورد میکند. برنامه ریزی شهری را از مدل‌های قبلی حاکمیت به سمت سطوحی از مشارکت سوق می‌دهد. و مزایای فرهنگی محیط زیست برای رفاه برجسته میکند" (knuuttila Johannes Jussi, 2018). مشارکت و تصمیم‌گیری مردم در جهت توسعه‌های محلی " مداخلات غیررسمی جوامع، بخشهای دولتی، متخصصان، دانش تخصصی و مهارتهای مشارکتی را برای محیط شهری مقاوم ارائه می‌دهد. لذا، نگهداری یک مسئولیت مشترک است و تعامل بین مشاغل و جامعه را ارزیابی میکند". (Sader et al., 2019) حل مسائل و مشکلات زیربنایی محلات و ایجاد مکانهای مشورتی توسط دولتهای محلی " نقش دولت در احیاء محیط و حمایت از بخش خصوصی (owoade, 2016; Roundy, 2017)، بنابراین همکاری بین نهادها، مردم و تحول شیوه‌های مدیریت بخشی (Muñoz & Cohen, 2016) رفیعیان و محمدی آیدغمیش، ۱۳۹۶) از این نقش می‌باشد. یکپارچگی مدیریت سازمانها بر اساس شاخص علمی، شورایی و حاکمیت انطباقی هم چارچوبی تحلیلی در تفسیر فرایندهای بازآفرینی، و هم چارچوبی هنجاری، که تصمیم‌گیرندگان محلی را در مدیریت پروژه‌ها راهنمایی میکند (Gianoli & Palazzolo Henkes, 2020).

### جدول ۱. شاخص‌ها، دسته‌بندی مفاهیم و منابع مولفه همکنش اجتماعی-فرهنگی

منابع	دسته بندی مفاهیم	شاخص
(Aboelnaga et al., 2019)/ /Roundy, / (ANECHITEI, 2018) /2017)	تعامل و تشریک مساعی؛ مدیریت پایداری زمین؛ کاهش فقر و محرومیت اجتماعی؛ افزایش انسجام اجتماعی؛ بهبود محیط زندگی؛ رشد اقتصادی محله	مشارکت مردمی در تحقق حقوق شهروندی
(Taylor & Hochuli, (Fortunato & Alter, 2015)/2015)	آفرینش صنایع و مکانهای خلاق فرهنگی؛ ایجاد مراکز	بالابردن امکانات فرهنگی محله با
Kaltenborn )(ANECHITEI, 2018)/ (et al., 2017		

کمک مردم و دولت	چند فرهنگی؛ نقش اجتماعی فرهنگ و هنر؛ آگاهی	(Plieninger et al., 2013)
مشارکت مردم در حفاظت از محیط زیست	دادن خدمات اکوسیستم فرهنگی؛ ابزارهای تشویقی	(knuuttila Johannes Jussi, 2018)/
مشارکت و تصمیم گیری مردم در جهت توسعه های محلی	مداخلات غیر رسمی شهروندان؛ ارزش آفرینی و نگهداری؛ تسهیلگری نهادهای حاکمیتی	(Dobson & Jorgensen, 2015)/
حل مسائل و مشکلات زیربنایی محلات و ایجاد مکانهای مشورتی توسط دولت‌های محلی	فراهم آوردن محیط امکان پذیر؛ همکاری بین نهادهای محلی و ساکنان محلی؛ کار آفرینی اجتماعی؛ یکپارچه نمودن مدیریت شهری؛ حاکمیت انطباقی	Muñoz & Cohen, (owoade, 2016)/ (2016). / (Roundy, 2017). / (Fortunato & Alter, 2015) / (Palazzolo Henkes, 2020) (رفیعیان محمدی ایدغمیش، ۱۳۹۶)

مأخذ: (یافته های نگارندگان ۱۴۰۰)

ب- مؤلفه دانش و آموزش محوری: هدف ارزیابی عملکردهای آموزشی تاثیر گذار بر دانش جامعه مدنی میباشد. ارتقاء دانش افراد جامعه "تعلیم و آموزش رسمی توسعه اقتصادی و سیاست تعامل با جامعه موفق در جذب مردم است. "آموزش" ایجاد، یکپارچگی و گسترش دانش، فرصت های نوآوری را توسعه و ورود اجتماعی جوانان، افزایش عملکرد مدرسه، کاهش ترک تحصیل (ANECHITEI, 2018; Fortunato & Alter, 2015; Spena et al., 2016) را قوی میکند. "انجام فعالیتهای مهارتی محور برای افراد آسیب پذیر" سیستم مدیریت دانش چارچوبی برای توانمندسازی و کاهش تعارض و افزایش سطح دانش در جامعه میباشد، و اجماع تصمیم گیری پایدارتر می شود (Dogruyol et al., 2018). مدل تجاری موفق، سرمایه گذاری و مشارکت مردمی مهارت و (Muñoz & Cohen, 2016) فعالان اقتصادی و اجتماعی توانایی جامعه شهروندی را ارتقاء میدهند (Gianoli & Palazzolo Henkes, 2020). "تدارک برنامه های آموزشی برای اجتماعات" آموزش جوامع تأثیر مهمی بر هنجارهای اجتماعی و ارتقاء فکری جامعه دارد (Taylor & Hochuli, 2015). برنامه های آموزشی فرصتی برای تمرکز بر مکانیسم های یادگیری است (Spena et al., 2016). تولید مشترک دانش بین تصمیم گیرندگان و جوامع رویکرد برنامه های علمی است. برنامه های آموزش سرمایه گذاری املاک، راهبردی برای تأمین مالی از طرف اجتماعات میباشد. بنابراین، تشویق کارفرمایان محلی (Mack & Mayer, 2016) در اولویت است. مکانیزم های آموزش، خدمات شهروندی، فرصت های یادگیری بر عملکرد و اثربخشی فعالیتهای کارآفرینان اجتماعی (McKeever et al., 2015; Roundy, 2017) مؤثر است. دانشگاهها به عنوان موتور محرک رشد (De Medici et al., 2018) به عنوان نهادی دولتی امکانات لازم (Markatou & Alexandrou, 2015) آموزش و توانمندی را فراهم میکنند. "ارائه خدمات شهروندی جدید جهت بالا بردن آگاهی مردم" مدیریت تولید، و تلفیق دانش، نیاز به یک نهاد تصمیم گیری دارد و مدیریت سیستمهای پیچیده، رفتار بازیگران، مشارکت شهروندان و دولت مهم است (Dobson & Jorgensen, 2015; Spena et al., 2016). "et al., 2016) آموزش های علمی (توسعه پایدار - زیست محیطی - کامپیوتری ...) برای توانمندی جوانان و دانش آموزان" تولید سیستم های دانش جهت توانمندی جوانان جوامع محلی، تحقق عملکرد آموزش و تعامل با چشم اندازها، ارزش ها، روابط اجتماعی و پویایی قدرت در واقع تلاشی برای درک چگونگی تفکر شهرها و کمکی به سازگاری پتانسیل در شهرها است (Muñoz-Erickson et al., 2017).

## جدول ۲. شاخص ها، دسته بندی مفاهیم و منابع مولفه دانش و آموزش محوری

منابع	دسته بندی مفاهیم	شاخص
-------	------------------	------

ارتقاء دانش افراد جامعه	آموزش رسمی و استراتژی توسعه اقتصادی؛ سیاست گذاری های اجتماعی؛ آموزش و پژوهش های علمی؛ توانمند سازی محیط؛ یادگیری مبتنی بر عمل؛ آموزش و بهبود عملکرد جوانان؛	Fortunato & Alter, ) Taylor & Hochuli, )/(2015 (ANECHITEI, 2018)/(2015)
انجام فعالیتهای مهارتی محور برای افراد آسیب پذیر	همکاری در یک سرمایه گذاری شهری؛ مهارت های ارتباطی؛ دانش محلی؛ مدل های تجاری؛	(Muñoz & Cohen, 2016) Gianoli & Palazzolo )/ (Henkes, 2020 (Dogruyol et al., 2018)
تدارک برنامه های آموزشی برای اجتماعات	آموزش های کلیدی؛ تمرکز بر دانش و مکانیسم های یادگیری؛ تولید مشترک دانش؛ مشوق های ایجاد برنامه های آموزش شغلی؛ آموزش زیرساخت های پشتیبانی؛ دانشگاه های معتبر؛	Mack & Mayer, ) (Roundy, 2017)/(2016 Markatou & Alexandrou, ) De Medici et al., )/(2015 (2018
ارائه خدمات شهروندی جدید جهت بالا بردن آگاهی مردم	مدیریت و هماهنگی جمع آوری دانش، تلفیق و تولید آن؛ مشارکت؛	Dobson )/(Spena et al., 2016) /& Jorgensen, 2015
آموزش های علمی (توسعه پایدار - زیست محیطی - کامپیوتری ... ) برای توانمندی جوانان و دانش آموزان	تحلیل سیستم های دانش؛ درک تفکر شهرها؛	Muñoz-Erickson et al., ) (2017

منبع: (یافته های نگارندگان ۱۴۰۰)

ج-مدیریت منابع مالی: نقش محوری منابع مالی و پتانسیل های جامعه در سیاست، برنامه ها و استراتژی های شهری، مورد بحث میباشد. "تأمین منابع مالی با کمک امکانات و پتانسیل های بالقوه در شهر" هم افزایی اکوسیستم کارآفرینی از سرمایه گذاری نوظهور کارآفرینان محلی حمایت و رقابت را بهبود میبخشد (Roja, 2015; Sarma & Sunny, 2017). سیاستگذاران تلاش میکنند منابع مالی سرمایه گذاری در بافتهای غیرسودآور را با کمک پتانسیل های موجود تأمین و آنها را به مراکز اجتماعی تبدیل کنند. مفاهیم شهر هوشمند تلاشی در استفاده هوشمندانه از این فضاها میباشد (Aboelnaga et al., 2019; Allam & Newman, 2018). بسترهای حمایتی سرمایه گذاری مدنی جمعی، فضاهای رقابتی (Acs et al., 2017) برکمبود منابع مالی توسعه غلبه میکند (Carè et al., 2018). تاثیر منابع مالی در ایجاد ایده های خلاق و نوآور "اکوسیستم کارآفرینی - فناوری" هزینه ها را کاهش و گسترش آن در بهبود عملکرد، بنگاههای اقتصادی حیاتی است، تأمین منابع مالی با سرمایه گذاری همگانی، محرک خلاقیت کارآفرینی مدنی است (Acs et al., 2017; Carè et al., 2018). سرمایه گذاری های جدید، تولید ارزش و ایده های تجاری باعث ظهور فضاهای تجاری رقابتی و اکوسیستم های کار آفرینی فن آورانه میشود. استارت آپ ها در تولید ایده های خلاق و نو آور با تمرکز بر مشاغل از برون سپاری به نوآوری خدمات مدیریت میشوند (Roja, 2015). "شفاف سازی دولتهای محلی در استفاده از منابع مالی جهت ارتقاء کیفیت محیط شهری" سیستم های حاکمیتی در چارچوب اقتصاد کلان با انعطاف پذیری، پیچیدگی ها و عدم اطمینان جامعه را مدیریت میکنند. تا در اشتغال و افزایش سرمایه گذاری بخشهای استراتژیک و زیرساخت ها (Gianoli & Palazzolo Henkes, 2020) گامی در ارتقاء کیفیت محیط بردارند. برخی سازمانها به کارآفرینی برای بهبود اکوسیستم تاکید دارند (Muñoz-Erickson et al., 2017).

### جدول ۳. شاخص ها، دسته بندی مفاهیم و منابع مولفه مدیریت منابع مالی

منابع	دسته بندی مفاهیم	شاخص
Allam )/(Sarma & Sunny, 2017)/ Aboelnaga )/& Newman, 2018	استراتژی رقابت پذیری؛ هم افزایی اکوسیستم های	تأمین منابع مالی با کمک امکانات



و پتانسیل های بالقوه در شهر ،	کارآفرینی؛ سرمایه گذاری؛ نوآوری های اجتماعی -	/(Acs et al., 2017)/(et al., 2019)
تاثیر منابع مالی در ایجاد ایده های خلاق و نوآور	گسترش "فناوری دیجیتالی"؛ کار آفرینی؛ پیوند اکوسیستم کارآفرینی و اقتصادی منطقه ای؛ ظهور و توسعه استارت آپ ها	Carè et al., )(Acs et al., 2017) (Roja, 2015)/(2018)
شفاف سازی دولتهای محلی در استفاده از منابع مالی جهت ارتقاء کیفیت محیط شهری	ایجاد اشتغال و افزایش سرمایه گذاری؛ بهبود اکوسیستم و محیط های شهری؛ توانمند کردن اکوسیستم کارآفرینی فناوری	Gianoli & Palazzolo Henkes, ) (2020) (Muñoz-Erickson et al., 2017)

منبع: (یافته های نگارندگان ۱۴۰۰)

د- مدیریت جامعه هوشمند: این مؤلفه درکی بر مدیریت جامعه هوشمند از نقطه نظر نهادهای مردمی، توانایی جامعه، مشارکتهای مردمی و همچنین نقش شبکه های مجازی ارائه میدهد. "تاثیر نهادهای مردمی در تولید مشاغل مجازی و اینترنتی" ایجاد بستر باز ظهور اکوسیستم نوآوری انگیزه ای در ایجاد شبکه های کارآفرینی محلی و حمایت از فعالیت های نوآوری است (Mack & Mayer, 2016; Spina et al., 2016). فرصت استفاده نوآورانه از مهارت های کارآفرینی (Sader et al., 2019) مداخلات شهروندان با سیستم های فن آوری به ارتقاء کیفیت مشاغل کمک و زمینه را برای نوآوری فراهم میکند (Dobson & Jorgensen, 2015). و تولید مشاغل مجازی و تصمیم نهادهای محلی مبنی بر توافق نامه های منافع بخشی در سطح منطقه میباشد (Aboelnaga et al., 2019). مشارکت مردم در ایجاد شبکه های تجاری مجازی و فن آوری اطلاعات در محلات "مفهوم شهرهای هوشمند از حوزه های کارآفرینی اجتماعی و دیجیتال گرفته شده. چنین فضاهایی رشد اقتصادی و توسعه اجتماعی را دارند و با گفتگوهای مشترک و نوآوری های فناوری تسهیل میشود (Sarma & Sunny, 2017). فن آوری های دیجیتال مانند کتابخانه ها و مراکز دیجیتال فرهنگی مجموعه ای از منابع الکترونیکی ساماندهی شده میباشند، که توسط کاربران ساخته، جمع آوری و سازماندهی میشود. و از نیازهای اطلاعاتی جامعه پشتیبانی میکنند (Gianoli & Palazzolo Henkes, 2020). تغییر تکنولوژیکی ساخت شهرهای هوشمند و مشارکت شهروندان، راه حل های نوآورانه برای چالش های مدنی دارد" (Muñoz-Erickson et al., 2017). توانایی مردم در زمینه فن آوری و مشاغل نوین کامپیوتری "توانایی مردم در علوم و فناوری اطلاعات" جهت اصلی "جامعه ی هوشمند است. و کار آفرینی به عنوان بخشی از آن، شهروندان را با کنترل بر آینده مالی خود، توانمند میسازد (Fortunato & Alter, 2015). کارآفرینی مدنی هوشمند با استفاده از IT نشان می دهد فناوری و پروژه های مدنی با ارائه فرصت به جوامع مستعد، به نوآوری اجتماعی کمک کرده و با کمک سیستم عامل های آنلاین ، امکان ایجاد اشکال ابتکاری کارآفرینی مدنی را فراهم میکنند. چنین اشکالی از نوآوری ارزشی ایجاد کرده که محدود به ارزش اقتصادی نیست، بلکه تأثیر اجتماعی را بهبود می بخشد (Carè et al., 2018). همکاران جوامع انسانی، سیستم های حکومتی و نظریه پردازان در ارائه شهری هوشمند و سازگار برای تقویت اقشار توانا و ارتقاء زیرساختهای فن آوری ارجح تر از راه حلهای شهر هوشمند در شکل گیری مهارتهای مدنی میباشد" (Sahin et al., 2011). نقش شبکه های اجتماعی در تغییر سبک زندگی مردم "کیفیت های نوین سبک زندگی با همکاری مردم برای نوآوری سبب انتقال ارزش یکپارچه به ذینفعان میگردد. که در محوریت ارتباطات، شبکه های اینترنتی و فن آوری های مدرن است، و اشاره به فرهنگ سازی، نوآوری، فرصتهای اقتصادی در سطح تکنولوژیهای روز جهانی دارد (Spina et al., 2016). کتابخانه های دیجیتال که پیشرفت سیستم های بازیابی

اطلاعات هستند با نقش دسترسی آزاد، مداوم، تنوع و اشتراک اطلاعات (Gianoli & Palazzolo Henkes, 2020) محرک نقش مردم می‌باشد.

### جدول ۵. شاخص‌ها، دسته‌بندی مفاهیم و منابع مولفه مدیریت جامعه هوشمند

منابع	دسته بندی مفاهیم	شاخص
Spena)/(Mack & Mayer, 2016) (et al., 2016 Dobson & Jorgensen, ) (Aboelnaga et al., 2019)/(2015)	پرورش شبکه های محلی کارآفرینی و فعالیت های نوآوری؛ تقویت دانش تخصصی و مهارت های مشارکتی؛ استراتژی پیشرفت فنی؛ نقش اکوسیستم کارآفرینی در فناوری دیجیتال؛ مداخلات؛ توانایی مقامات محلی	تاثیر نهادهای مردمی در تولید مشاغل مجازی و اینترنتی
Muñoz-Erickson et al., )/ (Carè et al., 2018)/(2017)	مشارکت در زیرساخت های فن آوری "شهر هوشمند"؛ کتابخانه ها و مراکز دیجیتال فرهنگی؛ تکنولوژیکی ساخت شهرهای هوشمند؛ تعاملات دولت های محلی با جمعیت در ابتکارات کارآفرینی مدنی	مشارکت مردم در ایجاد شبکه های تجاری مجازی و فن آوری اطلاعات در محلات
(Fortunato & Alter, 2015) (Sahin et al., 2011)/ (Sarma & Sunny, 2017)	توانایی ذهنی و عملکردی جامعه؛ استفاده از ظرفیتهای توانمندسازی؛ سازمانهای ارتباط دهنده دانش؛ کارآفرینی مدنی هوشمند با استفاده از IT؛ مشارکت بین شهروندان، نهادهای محلی و نظریه پردازان.	توانایی مردم در زمینه فن آوری و مشاغل نوین کامپیوتری
Gianoli & )/(Spena et al., 2016) (Palazzolo Henkes, 2020)	سبک زندگی مبتنی بر دانش؛ انتقال ارزش یکپارچه با ایجاد کیفیتهای نوین سبک زندگی؛ ارتباطات از راه دور؛ دسترسی آزاد و مداوم به اطلاعات کتابخانه های دیجیتال	نقش شبکه های اجتماعی در تغییر سبک زندگی مردم

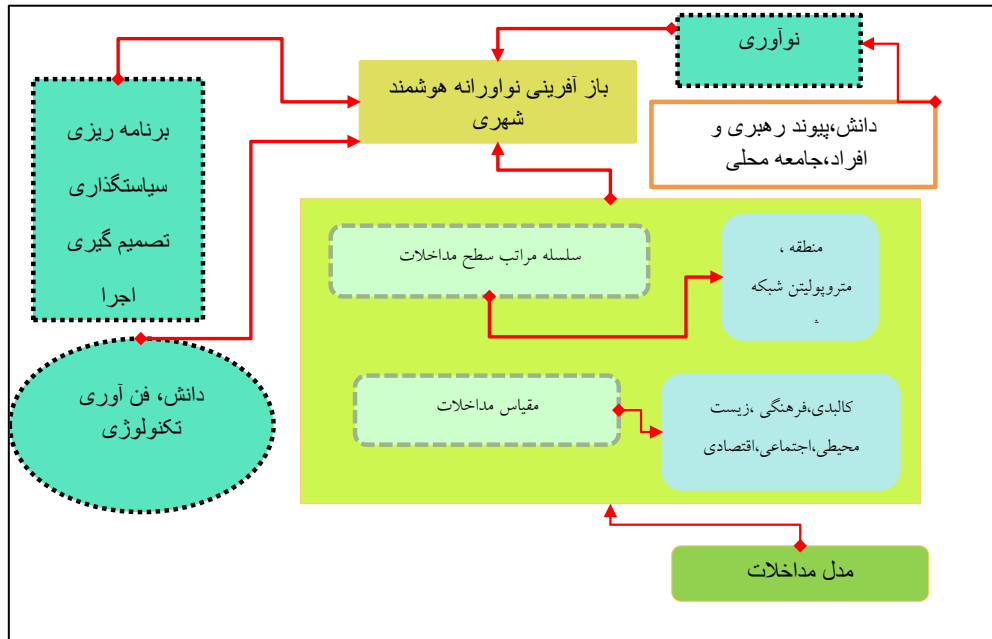
منبع: (یافته های نگارندگان ۱۴۰۰)

### نتیجه گیری

در راستای مرور بر ادبیات موضوع پژوهش، رویکرد نوینی پا به عرصه برنامه ریزی شهرها گذاشته، که متمرکز بر روند مفاهیم بازآفرینی نو آورانه شهری با محوریت شهرهای هوشمند است. این مفهوم تحت تأثیر تحولات باز آفرینی شهری بر مبنای تغییرات جهانی عصر نوآوری و فرایندهای هوشمند سازی برنامه ریزی شده است. از آنجایی که، بازآفرینی شهری با شیوه ها و روشهای حاکمیت سنتی و قدیمی قادر به تحقق اهداف نوین عصر امروزی نمی باشد. لذا در این راستا، مدل جدید مطرح شده، که فرایند تبدیل شهری، متمرکز با اقدامات ویژه و فعالیتهای خاص شهر هوشمند و نو آور را پوشش دهد، بنابراین، دانش و علوم مرتبط نقش مهمی در ارتقا این رویکرد را داشته و با ایجاد چارچوب های یکپارچه، اکوسیستم حاصل از این رویکرد و جوامع را با هم ارتباط میدهد. از آنجایی که باز آفرینی شهری، تصمیم گیری بخش های خصوصی و دولتی و روابط جامعه، بوده است لذا، برنامه ریزی مدل پیشنهادی آن با پنج مقیاس کالبدی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی را با استفاده از ظرفیتهای تعاملی و مشارکتی مبتنی بر ارتباط و همکاری میان کنشگران پوشش میدهد، و در مقابل ایجاد ساختارهای جدید این ظرفیتهای متمرکز میکند، و ارتقاء روابط اجتماعی-فرهنگی، سرمایه گذاری در سایه اقتصاد دیجیتال، فن آوری و نوآوری در جوامع مدنی را بهبود می بخشد. در نتیجه، این توانایی منجر به ظهور نوع جدیدی از روابط میشود که از فناوری دیجیتال، کارآفرینی و نوآوری برای پیشرفت در ابعاد جهانی استفاده می کند (Sussan & Acs, 2017). این مفاهیم برای اجرا در ساختار سلسله مراتبی با سه سطح: منطقه، متروپولیتن، و شبکه شهر، تعریف میشود. که مناطق شهری را بهم متصل و به رقابت با یکدیگر ترغیب می کند (Gianoli & Palazzolo Henkes, 2020). و یک فرصت جمعی برای افزایش پتانسیل، انسجام جوامع و ظرفیت تولید نوآوری را فراهم میکند. همچنین مشارکت قوی بین جامعه مدنی، تجارت و دولت در سطوح مختلف مهم و مزایای بالقوه اتخاذ رویکرد استراتژیک بازآفرینی شهری را آشکار میکند (De Medici et al., 2018). در نتیجه، توسعه واقعی یک چارچوب استراتژیک می تواند به تقویت

همکاری و تشویق مشارکت بین طیف وسیعی از سازمان های درگیر در بازآفرینی شهری کمک کند (Carter et al., 2018) از طرفی، باز آفرینی نوآورانه به دنبال تغییر سبک زندگی در جامعه، با محوریت اشکال ابتکاری رفاه اجتماعی و ایجاد فرصت های هوش جمعی میباشد. که از بطن آن فناوری اطلاعات و ارتباطات ابزار مهمی برای تعاملات مردم در شهر است تا به طور مؤثر و کارآمد نیازهای اطلاعاتی و ارتباطی خود را برآورده کنند.

شکل ۲. چارچوب مدل مفهومی باز آفرینی شهری نوآورانه در تعامل با شهر هوشمند



مأخذ: (یافته های نگارندگان، ۱۴۰۰)

لذا، بسیاری از دولتها با درک پتانسیل، تأثیر و اهمیت آن در شهرها، فن آوری های مختلفی را برای مقابله با چالش های پیچیده شهری در جهت بهبود کیفیت زندگی شهروندان به کار گرفته اند (Putra & van der Knaap, 2018). که هدف آن سرعت بخشیدن به متنوع سازی پایه های اقتصادی شهر از طریق تشویق و تسهیل رشد، سرمایه گذاری و نوآوری در بخشهای پر رونق دانش است (Colantonio & Dixon, 2011). که سود حاصل از آن، توسعه دیجیتال را افزایش می دهد، دسترسی به مهارت ها و مشاغل را فراهم می کند و کیفیت زندگی را از طریق طرح های دیجیتال و فن آوری اطلاعات، با همکاری و مشارکتهای مردمی و محلی بهبود میبخشد (Braczyk et al.; 2014). بنابراین، باز آفرینی نوآورانه شهری بر مفهوم جدیدی از همکاری متمرکز شده (Muñoz & Cohen, 2016) که جوامع محلی نقش مهمی را در پیشبرد اهداف فرایند ایفا میکنند. ساکنان محلی دارای دانش عمیقی از محیط زیست و ارجاعات دقیق به مشکلات موجود در آن هستند و درک متفاوتی از توسعه پایدار نسبت به متخصصان دارند (Dogruyol et al., 2018). بنابراین، زیرساخت های دانش در اقتصاد شهری و توسعه های اقتصادی سودآور و رو به رشد بدون فشار فزاینده بر محیط زیست می تواند (De Medici et al., 2018) اصل، "پایداری در اکوسیستم نوآوری" را تضمین و "نوآوری مداوم" در بازآفرینی را نیز به دنبال داشته باشد. ایده "نوآوری هوشمند شهری" فرایندی در تغییر و تحولات هوشمندانه جوامع شهری قلمداد میشود. شهر هوشمندی که از فناوری و نوآوری برای افزایش کیفیت زندگی شهروندان خود استفاده می کند. و هدف آن دستیابی کارآمد به توسعه پایدار و تاب آور با کیفیت بالای زندگی بر اساس مشارکت چند جانبه با نهادهای مردمی و شهرداری ها میباشد (Putra & van der Knaap, 2018).

(2018) برنامه های باز آفرینی شهری، سیستم های نو آوری و هوشمند سازی در شهرها مدتهاست که از طریق طرحهای شهری مورد توجه قرار گرفته است. اما از نظر عملی و تئوری، ارتباط اصول، مفاهیم، معیارها و شاخص های آنها با یکدیگر دچار خلاء میباشد. این مطالعه سعی بر آن داشت که با ارائه یک چارچوب مفهومی، فرایندی از باز آفرینی شهری را از نقطه نظر چگونگی تغییرات و مداخلات در شهر بیان کند که با تحولات و عملکرد های ویژه نوآوری و هوشمند سازی در ارتباط باشد، تا بتواند خلاء موجود را پر کند. نتایج فراترکیب منابع مورد مطالعه منجر به استخراج ۴ مؤلفه و ۱۷ شاخص گردید:

مؤلفه اول "همکنش اجتماعی-فرهنگی" با ۵ شاخص بر تاثیر گذاری و تاثیر پذیری رفتارها و عملکردهای جامعه انسانی و دولتهای محلی متمرکز میشود؛ مؤلفه دوم "دانش و آموزش محوری" با ۵ شاخص برای بالا بردن توان فکری و دانش مردم از عملکردهای اصلی بوده که با ارائه تسهیلات و خدمات آموزشی انجام میگردد این مؤلفه سعی دارد، اقشار مستعد جامعه را هدف قرار دهد که در فرایند بازآفرینی مؤثر باشند؛ مؤلفه سوم "مدیریت منابع مالی" با ۳ شاخص به حوزه مدیریت مالی و تامین تیاذهای مادی و درآمدی جوامع اختصاص یافته و اشاره به روشها و فعالیتهای مبنی بر بهبود شرایط معیشتی دارد؛ مؤلفه چهارم "مدیریت جامعه هوشمند" با ۴ شاخص در جهت گیری جوامع هوشمند عصر حاضر مؤثر بوده و عملکرد فن آوریها، تکنولوژی، فضاهای مجازی را در ارتباط با سبک زندگی جوامع مورد ارزیابی قرار میدهد؛ بنابراین نتایج تحقیق نشان میدهد که ۴ مؤلفه استخراج شده به عنوان ابزارهای اساسی ارزیابی سیاست های توسعه و بازآفرینی شهری مبتنی بر نو آوری بوده و تحولات برنامه ها و طرحها را با تمرکز بر هوشمند سازی پوشش میدهد. لذا، جهت اتخاذ این امر اولویت های اقدام در زمینه های لازم، به شرح ذیل مطرح میگردد:

-اولویت فضای جریان ها (قدرت، سرمایه و اطلاعات): اولییتی که در آن مدیریت شهری در کنار متخصصین فن آوری دارای رویکرد یکسانی بوده، که با توجه به الزامات "اقتصادی-سیاسی" و "تنوع ملاحظیات نهادی-سازمانی" به "تجزیه و تحلیل دانش اطلاعاتی و تکنولوژی نوین شهری" پرداخته و اطلاعات فضاهای نو آوری و سرمایه ای شهرها را مورد مطالعه قرار میدهند. اطلاعاتی که زیرساخت های دیجیتال، شناختی-ادراکی، مالی و علوم دانشی را تشکیل میدهند.

-اولویت نوآوری اجتماعی: تقویت تعاملات بین دولت های محلی، نهادهای مردمی، و ابتکارات کارآفرینی مدنی هوشمند اشکال جدیدی از ارزش را ایجاد و رفع نیازهای اجتماعی را بهبود می بخشد. بنابراین، دستیابی به مکانهای نو آور اجتماعی-فرهنگی جذاب و فراهم کردن بستر سازگاری فرهنگ و اجتماع، تسهیل کنندگان ابتکار عمل در جامعه می باشد.

-اولویت دانش افزایی: طراحی زیرساخت های سیستم دانش جدید به عنوان چارچوب مفهومی و تجربی و روش های شهرهای هوشمند میباشد. که جنبه های مهم نهادی، پیوند بین کارآفرینی و رفتارهای هوشمند و استراتژی توسعه اقتصادی را ارزیابی میکند. بنابراین، تعامل شیوه های دانش با چشم اندازها، ارزش ها، روابط اجتماعی، پویایی قدرت، یکپارچه سازی و انتشار دانش در شهرها، اصلی ضروری و با اهمیت است.

با توجه به مطالب مطرح شده میتوان اذعان داشت که، مفهوم باز آفرینی شهری در عصر پیش رو از مفاهیم اولیه خود عبور کرده و با اتکا به دانش جدید، فن آوری های هوشمند، سرمایه گذاری های جمعی و نو آوریهای خردمندانه به

دنبال تظاهر شیوه ای نوین در مداخلات شهری میباشد. از این رو با توجه به وجود زمینه های مشترک در تدوین و اجرای مدل های مختلف طرحهای باز آفرینی شهری و عنایت به درک مفاهیم شهرهای هوشمند میتوان رویکردی جدید از بازآفرینی را با اتکاء به اکوسیستم نوآوری تولید کرد. لذا، اجرای فرآیند پیش رو با توجه به اولویت های اقدام از عواملی شامل: تشویق به سرمایه گذاری جمعی مدنی به عنوان محرکی مؤثر در هدایت بودجه شهروندان؛ ایجاد بستر بازحمایتی مابین دانشگاهها و موسسات آموزشی و جامعه مدنی به منظور تقویت سرمایه انسانی؛ ایجاد اشکال ابتکاری کارآفرینی اجتماعی، فرهنگی، نو آوری، مشاغل محلی هوشمند و فعالیت های اقتصادی جدید؛ ارتقاء کیفیت زندگی در جامعه با اصلاح، باز توسعه و پویایی شریانها و کریدورهای زندگی بر مبنای استانداردهای جهانی؛ قراردادهای اجتماعی قانونی-قوی برای اطمینان از ایجاد نشاط جمعی؛ تأمین امکانات، منابع و تسهیلات به منظور توسعه زیرساختهای فیزیکی-دیجیتالی؛ تقویت سیاستهای مشارکتی مابین نهادهای مردمی و مدیریت شهری در برابر رفع پیچیدگی های روابط جوامع محلی و ایجاد انعطاف پذیری بخشهای نوآور محلی؛ یکپارچه سازی مطالعات شهری با علوم مرتبط؛ بازسازی و توسعه فرهنگی جوامع محلی همچنین میراث فرهنگی، پیروی میکند. این تحقیق به دلیل کمبود در پیوستگی، ارتباط مطالعات و گستردگی موضوع، در مفاهیم و رویه ها از ضعف نظری و تئوری برخوردار بوده، و نیازمند بررسی بیشتر در پژوهش های آتی می باشد. در تحقیقات بعدی استخراج تکمیلی روشها و ابزارهای مداخلات باید مورد باز تحلیل قرار گیرد. همچنین مبنای پژوهش ها، نباید تنها فضاها و مکانهای خاص شهری را شامل شود، بلکه کل فضا های شهری و منطقه ای را بسته به میزان حساسیت و استراتژی های ملی مورد مطالعه قرار دهد. بنابراین به محققان آینده، توصیه می شود رویکرد یکسانی را در زمینه های مختلف مورد مطالعه اعمال کرده و چارچوب مفهومی را بر اساس این رویکرد به روز کنند.

## منابع

رفعیان، م، محمدی آیدغمیش، ف. (۱۳۹۶). ارائه چارچوب مفهومی تعامل باز آفرینی شهری و شهر کار آفرین در دستیابی به بازاریابی مکان. فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد و مدیریت شهری، ۲(۵)، ۱-۲۰.

Aboelnaga, S., Toth, T., & Neszmelyi, G. I. (2019). Land use management along urban development axis as one of urban regeneration principles. 944-953. <https://doi.org/10.22616/ERDev2019.18.N382>

Acs, Z. J., Stam, E., Audretsch, D. B., & O'Connor, A. (2017). The lineages of the entrepreneurial ecosystem approach. *Small Business Economics*, 49(1). <https://doi.org/10.1007/s11187-017-9864-8>

Allam, Z., & Newman, P. (2018). Economically Incentivising Smart Urban Regeneration. Case Study of Port Louis, Mauritius. *Smart Cities*, 1(1), 53-74. <https://doi.org/10.3390/smartcities1010004>

ANECHITEI, A.-A. (2018). Social Innovation through Urban Regeneration – A Local Model. *Review of International Comparative Management*, 19(3), 244-255. <https://doi.org/10.24818/rmci.2018.3.244>

Braczyk, H.-J.; Cooke, P.; Heidenreich, M. (2014). Regional Innovation Systems. In UCL PRESS.

Campbell, R., Pound, P., Pope, C., Britten, N., Pill, R., Morgan, M., & Donovan, J. (2003). Evaluating meta-ethnography: A synthesis of qualitative research on lay experiences of diabetes and diabetes care. *Social Science and Medicine*, 56(4), 671-684. [https://doi.org/10.1016/S0277-9536\(02\)00064-3](https://doi.org/10.1016/S0277-9536(02)00064-3)

Carè, S., Trotta, A., Carè, R., & Rizzello, A. (2018). Crowdfunding for the development of smart cities. *Business Horizons*, 61(4), 501-509. <https://doi.org/10.1016/j.bushor.2017.12.001>

Carter, C. A., Roberts, P., Roberts, P., Sykes, H., & Granger, R. (2018). Urban Regeneration Strategy and Partnership in Urban Regeneration. In H. sykes & R. G. Peter roberts (Ed.), *sage Publications Ltd* (pp. 44-67).

- Casadevall, D., Foth, M., & Bilandzic, A. (2018). Skunkworks Finder: Unlocking the diversity advantage of urban innovation ecosystems. *ACM International Conference Proceeding Series*, 145–155. <https://doi.org/10.1145/3292147.3292169>
- Chrastina, J. (2018). Meta-Synthesis of Qualitative Studies: Background, Methodology and Applications. *NORDSCI Conference Proceedings Book 1 Volume 1, 1*, 113–121. <https://doi.org/10.32008/nordsci2018/b1/v1/13>
- Colantonio, A., & Dixon, T. (2011). Urban Regeneration: Delivering Social Sustainability. *Urban Regeneration & Social Sustainability: Best Practice from European Cities*, 54–79. <https://doi.org/10.1002/9781444329445.ch4>
- Cunha, I. V. Da, & Selada, C. (2009). Creative urban regeneration: the case of innovation hubs. *International Journal of Innovation and Regional Development*, 1(4), 371. <https://doi.org/10.1504/ijird.2009.022728>
- De Medici, S., Riganti, P., & Viola, S. (2018). Circular economy and the role of universities in urban regeneration: The case of Ortigia, Syracuse. *Sustainability (Switzerland)*, 10(11). <https://doi.org/10.3390/su10114305>
- Dobson, S., & Jorgensen, A. (2015). Increasing the resilience and adaptive capacity of cities through entrepreneurial urbanism. *International Journal of Globalisation and Small Business*, 6(3–4), 149–162. <https://doi.org/10.1504/IJGSB.2014.067508>
- Dogruyol, K., Aziz, Z., & Arayici, Y. (2018). Eye of sustainable planning: A conceptual heritage-led urban regeneration planning framework. *Sustainability (Switzerland)*, 10(5), 1–22. <https://doi.org/10.3390/su10051343>
- Fortunato, M. W. P., & Alter, T. (2015). Community entrepreneurship development: an introduction. *Community Development*, 46(5), 444–455. <https://doi.org/10.1080/15575330.2015.1080742>
- Fuentes, M. Á. G., & Torre, C. De. (2017). toward smarter and more sustainable cities: the remourban model. *ENTREPRENEURSHIP AND SUSTAINABILITY ISSUES*, 4(3), 328–338.
- García-Fuentes, M., Quijano, A., De Torre, C., García, R., Compere, P., Degard, C., & Tomé, I. (2017). European Cities Characterization as Basis towards the Replication of a Smart and Sustainable Urban Regeneration Model. *Energy Procedia*, 111(September 2016), 836–845. <https://doi.org/10.1016/j.egypro.2017.03.246>
- Gianoli, A., & Palazzolo Henkes, R. (2020). The Evolution and Adaptive Governance of the 22@ Innovation District in Barcelona. *Urban Science*, 4(2), 16. <https://doi.org/10.3390/urbansci4020016>
- Hashim, H. N. M. (2010). Facilitating Malaysia towards innovative society: Arguing the case for open access policy. *Proceedings - 6th IEEE International Conference on e-Science Workshops, e-ScienceW 2010*, 148–153. <https://doi.org/10.1109/eScienceW.2010.33>
- Hsiao, S. C., & Hsiao, L. (2014). Critical success factors in cultural innovative society construction. *Revista de Cercetare Si Interventie Sociala*, 46, 53–64.
- Huston, S., Rahimzad, R., & Parsa, A. (2015). “Smart” sustainable urban regeneration: Institutions, quality and financial innovation. *Cities*, 48, 66–75. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2015.05.005>
- Kaltenborn, B. P., Linnell, J. D. C., Baggethun, E. G., Lindhjem, H., Thomassen, J., & Chan, K. M. (2017). Ecosystem Services and Cultural Values as Building Blocks for ‘The Good life’. A Case Study in the Community of Røst, Lofoten Islands, Norway. *Ecological Economics*, 140, 166–176. <https://doi.org/10.1016/j.ecolecon.2017.05.003>
- knuuttilla Johannes Jussi. (2018). Exploring the potential of cultural ecosystem services in social impact assessment of Finnish mining projects. stockholm university.
- Kudryavtseva, S. S., Shinkevich, A. I., Sirazetdinov, R. M., Volov, V. T., Yusupova, G. F., Torkunova, J. V., Khairullina, E. R., Klimova, N. V., & Litvin, I. Y. (2015). A design of innovative development in the industrial types of economic activity. *International Review of Management and Marketing*, 5(4), 265–270.
- Mack, E., & Mayer, H. (2016). The evolutionary dynamics of entrepreneurial ecosystems. *Urban Studies*, 53(10), 2118–2133. <https://doi.org/10.1177/0042098015586547>
- Markatou, M., & Alexandrou, E. (2015). Urban System of Innovation: Main Agents and Main Factors of Success. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 195, 240–250. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2015.06.355>

- McKeever, E., Jack, S., & Anderson, A. (2015). Embedded entrepreneurship in the creative reconstruction of place. *Journal of Business Venturing*, 30(1), 50–65. <https://doi.org/10.1016/j.jbusvent.2014.07.002>
- Morisson, A., & Bevilacqua, C. (2019). Balancing gentrification in the knowledge economy: the case of Chattanooga's innovation district. *Urban Research and Practice*, 12(4), 472–492. <https://doi.org/10.1080/17535069.2018.1472799>
- Muñoz-Erickson, T. A., Miller, C. A., & Miller, T. R. (2017). How cities think: Knowledge co-production for urban sustainability and resilience. *Forests*, 8(6), 1–17. <https://doi.org/10.3390/f8060203>
- Muñoz, P., & Cohen, B. (2016). The making of the urban entrepreneur. *California Management Review*, 59(1), 71–91. <https://doi.org/10.1177/0008125616683953>
- owoade, abbas. (2016). Entrepreneurial ecosystem development: learning from successes abbas owoade. univrtsity of stockholm.
- Pires, A. P. F., Amaral, A. G., Padgurschi, M. C. G., Joly, C. A., & Scarano, F. R. (2018). Biodiversity research still falls short of creating links with ecosystem services and human well-being in a global hotspot. *Ecosystem Services*, 34(March), 68–73. <https://doi.org/10.1016/j.ecoser.2018.10.001>
- Plieninger.t Dijk.s;oteros-Rozas.e;Bieling.c. (2013). assessing,mapping and quantifing cultural ecosystem services at community level. *Land Use Policy*, 33(2013), 118–129.
- Putra, Z. D. W., & van der Knaap, W. G. M. (2018). Urban innovation system and the role of an open web-based platform: The case of Amsterdam smart city. *Journal of Regional and City Planning*, 29(3), 234–249. <https://doi.org/10.5614/jrcp.2018.29.3.4>
- roberts, p ; sykes, h. (2000). urban regeneration:A HANDBOOK (1st ed.). The British Urban Regeneration Association.
- Roja, A. (2015). Technology Entrepreneurial Ecosystems and Entrepreneurship in the West Region of Romania. *Studia Universitatis „Vasile Goldis” Arad – Economics Series*, 25(1), 40–59. <https://doi.org/10.1515/sues-2015-0004>
- Rosenberg, N. (2009). *Studies on Science and the Innovation Process: Selected Works of Nathan Rosenberg*. <https://doi.org/10.1142/7306>
- Roundy, P. T. (2017). Social entrepreneurship and entrepreneurial ecosystems Complementary or disjoint phenomena? *International Journal of Social Economics*, 44(9), 1252–1267. <https://doi.org/10.1108/IJSE-02-2016-0045>
- Sader, N. Al, Kleinhans, R., & Ham, M. Van. (2019). Entrepreneurial citizenship in urban regeneration in the Netherlands. *Citizenship Studies*, 23(5), 442–459. <https://doi.org/10.1080/13621025.2019.1621266>
- Sahin, M., Nijkamp, P., & Stough, R. (2011). Impact of urban conditions on firm performance of migrant entrepreneurs: A comparative Dutch-US study. *Annals of Regional Science*, 46(3), 661–689. <https://doi.org/10.1007/s00168-009-0351-2>
- sandelowski, M., Barroso, J, . (2007). *Handbook for SYNTHESIZING QUALITATIVE RESERACH*.
- Sarma, S., & Sunny, S. A. (2017). Civic entrepreneurial ecosystems: Smart city emergence in Kansas City. *Business Horizons*, 60(6), 843–853. <https://doi.org/10.1016/j.bushor.2017.07.010>
- Schaffers, H., Komminos, N., & Pallot, M. (2012). Smart Cities as Innovation Ecosystems Sustained by the Future Internet. In white paper on smart cities as innovation ecosystem (Issue April). <http://www.anci.it/Contenuti/Allegati/White paper Fireball su Smart City.pdf>
- Spena, T. R., Trequa, M., & Bifulco, F. (2016). Knowledge Practices for an Emerging Innovation Ecosystem. *International Journal of Innovation and Technology Management*, 13(5), 1–21. <https://doi.org/10.1142/S0219877016400137>
- Sussan, F., & Acs, Z. J. (2017). The digital entrepreneurial ecosystem. *Small Business Economics*, 49(1), 55–73. <https://doi.org/10.1007/s11187-017-9867-5>
- Taylor, L., & Hochuli, D. F. (2015). Creating better cities: how biodiversity and ecosystem functioning enhance urban residents' wellbeing. *Urban Ecosystems*, 18(3), 747–762. <https://doi.org/10.1007/s11252-014-0427-3>

Walsh, D., & Downe, S. (2005). Meta-synthesis method for qualitative research: A literature review. *Journal of Advanced Nursing*, 50(2), 204–211. <https://doi.org/10.1111/j.1365-2648.2005.03380.x>

Zimmer, L. V. (2006). Qualitative meta-synthesis: a question of dialoguing with texts. *Journal of Advanced Nursing*, 53(3), 311–318. <https://doi.org/https://doi.org/10.1111/j.1365-2648.2006.03721.x>



***Compilation of Conceptual Model of Innovative Urban Regeneration in Interaction with the Smart City by Using the Meta- synthesis Method (2010-2020)***

***Sanaz Naqshizadian***

*PhD Student in Urban Planning, Faculty of Civil Engineering, Art and Architecture, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran*

***Mojtaba Rafiyan<sup>1</sup>***

*Professor of Urban Planning Department, Faculty of Civil Engineering, Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran*

***Zahrasadat Saeeda Zarabadi***

*Associate Professor of Urban Planning Department, Faculty of Civil Engineering, Art and Architecture, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran*

***Hamid Majedi***

*Professor of Urban Planning Department, Faculty of Civil Engineering, Art and Architecture, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran*

***Abstract***

urban regeneration has tried to adapt itself to development planning . Accordingly, it has always been affected by policies of urban planning. Consequently, the efficacy of emerging programs along with the knowledge advancement on urban regeneration, smartization and innovative are indicator of changes in its primary concepts. Therefore, innovative urban regeneration is an argument for interacting processes of decision-making, management, innovation policies and smart urban development in line with global developments. Since urban regeneration focuses more on organizing worn-out and abandoned urban tissue, thereby such a policy cannot meeting the needs of society in accordance with innovative standards and smart development. In this regard, this study, by virtue of urban regeneration policies and by concentrating on the components and indicators affecting the concepts relations, has elicited an integrated framework for innovative regeneration according to interaction with the smart city. Therefore, 181 scientific sources were studied through systematic review method, in which 35 of them were analyzed by using meta-synthesis method. Findings of the study demonstrated that innovative urban regeneration is elicited by contribution of 4 componentsconceptualizes an integrated framework and indicates that a superior strategy derived from the previous knowledge related to the urban planning and policy-making that implemented through the priorities of reaching the goals connected to this strategy, and by using the executive power focused on political and managerial decisions that is based on the concepts of innovation, compilation of smart plans can be realized in line with developing the innovative community, and opportunities of creative planning.

***Keywords:urban innovation ecosystem, urban entrepreneurship ecosystem, innovative regeneration, smart urban regeneration.***

---

<sup>1</sup> . Corresponding Author: mrafiyan@gmail.com